

Analysis of Economic Crime in the Context of Laws and Regulations with Emphasis on Variables and Mental Factors of Cri Me

Forouzan Ramezan Khah Tabrizi¹, Shahid Shateri Pour^{2*}, Mojtaba Ansarian³

1. Student in Criminal Law and Criminology, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran.

2. PhD in Criminal Law and Criminology, Iran.

3. PhD in Public International Law, Assistant Professor, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 201-232

Received: 2022 March 09

Revised: 2022 May 24

Accepted: 2023 April 10



Abstract

One of the effective factors in committing an economic crime is the existence of motives and goals that exist in the mind of the economic offender. It can be said with certainty that the economic offender does not commit an economic crime in order to satisfy his emotional and sexual needs. What drives this action the most is the financial and economic viability of committing such a crime. On the other hand, lack of fear and apprehension of arrest, conviction and determination of punishment and its application, inadequacy of the judicial system, society's lack of commitment to its economic and social rights are other factors that along with the administrative and political structure of the country cause more economic crime.

Paying attention to the theoretical foundations of each subject and why and its rational explanation is one of the most important issues in any research that is addressed in this article. Then, the motivators of committing economic crime from different angles have been discussed by descriptive research method and by collecting libraries

Keywords: Crime, Economic Crime, Economic Law, Financial Desirability, Judicial System

*Corresponding Author: shahidshateri@jri.ac.ir

تحلیل ارتکاب جرم اقتصادی در بستر قوانین و مقررات با تاکید بر متغیرها و عوامل فکری ذهنی بروز جرم

فروزان رمضان خواه تبریزی^۱، شهید شاطری پور^{۲*}، مجتبی انصاریان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

۲. دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، ایران.

۳. دکتری حقوق بین الملل عمومی، استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



چکیده

یکی از عوامل موثر در ارتکاب جرم اقتصادی، وجود انگیزه‌ها و هدف‌هایی است که در ذهن و فکر مجرم اقتصادی وجود دارد. می‌توان به طور اطمینان بخشی گفت که مجرم اقتصادی به جهت تامین نیازهای عاطفی و جنسی، انتقام‌گیری به ارتکاب جرم اقتصادی مبادرت نمی‌ورزد. آن چیزی که بیش از همه باعث این اقدام می‌شود وجود مطلوبیت مالی و اقتصادی جهت ارتکاب چنین جرمی است. از طرفی عدم ترس و اهمیت از دستگیری، محکومیت و تعیین مجازات و اعمال آن، نارسایی نظام دادرسی، متعهد نبودن جامعه به حقوق اقتصادی و اجتماعی خود از دیگر عواملی است که در کنار نوع ساختار اداری و سیاسی کشور باعث ارتکاب بیشتر جرم اقتصادی می‌شود. توجه به مبانی نظری هر موضوعی و چرایی و تبیین عقلانی آن از جمله مهم‌ترین مسایل در هر پژوهشی است که به آن در این مقاله پرداخته شده است. سپس برانگیزاننده‌های ارتکاب جرم اقتصادی از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۳۲-۲۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱



واژگان کلیدی: حقوق اقتصادی، جرم مالی، دادرسی دادگرانه، جرم اقتصادی، نظریه انتخاب

عقلانی



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

به طور کلی بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا برای جرایمی که موضوع آنها از اهمیتی خاص برخوردار است و بزه‌دیدگی آنها در جامعه گسترده است سیاست کیفری خاصی را اتخاذ می‌کنند. در واقع، اهمیت و یا گستردگی مصادیق، آنها را وادار به وضع قوانین و مقرراتی متمایز می‌کند که معمولاً در مقایسه با سیاست کیفری سایر جرایم، پیشگیرانه‌تر، سخت‌گیرانه‌تر، بازدارنده‌تر، دقیق‌تر و فنی‌تر هستند. جرایم اقتصادی، جرایمی است که بزه‌دیدگان از ناحیه آن، چیزی از دست داده و متحمل هزینه‌ای می‌شوند. بنابراین این‌گونه جرایم، بزه‌دیدگان مستقیم مانند اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها و اشخاص حقوقی و بزه‌دیدگان غیرمستقیم دارد که ممکن است دولت یا نظام اقتصادی باشد. از این رو جرایم اقتصادی دسته‌ای از جرایم است که کارآمدی و سودمندی تجارت، بازرگانی و کسب و کار را از حالت عادی و نظم موجود خارج کرده و نتایج و پیامدهای سوء آن، فراتر از شخصی است که مستقیم زیان می‌بیند و به دیگران نیز آسیب می‌رساند. وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اختلال در نظام اقتصادی شود، اختلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان‌ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار، تاسیس، نمایندگی و عضوگیری شرکت‌های هرمی از این معیار بررسی می‌شود. جرم اقتصادی رفتار غیرقانونی است که انگیزه اصلی مرتکب، کسب منفعت و تحصیل سود یا امتیاز اقتصادی است. جرایمی چون تقلب مالیاتی، تقلب گمرکی، فساد مالی و قاچاق کالا و ارز در پرتو این نظریه در گروه جرایم اقتصادی جا می‌گیرند. رسیدن به خواسته‌ها و امتیازات مالی و اقتصادی به قیمت نقض قوانین و سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، انگیزه مرتکبین این‌گونه جرایم است. بر این مبنا ضروری است به قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی اشاره شود. طبق این قانون اختلال در نظام پولی یا ارزی کشور، اقدام باندی و تشکیلاتی

جهت اخلال در نظام صادراتی کشور، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی، اخلال در نظام تولیدی کشور، هرگونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی، وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود به عنوان اخلال در نظام اقتصادی کشور شناخته شده است.

۱. مبانی و چهارچوب نظری

از مهم‌ترین دلایل وقوع جرم اقتصادی، بی‌توجهی در تحقق حقوق اقتصادی شهروندان است. به همین جهت در مبانی نظری به حقوق بشر و نسل دوم آن که تاکید بر حقوق اقتصادی دارد می‌پردازیم.

حقوق بشر مشتمل بر سلسله آزادی‌ها و حقوق انسانی مشروع، از جمله حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اما تمام این حق‌های بشری به یک قاعده بنیادین به نام حق حیات انسان می‌رسند. در واقع، تمام حق‌ها و آزادی‌ها مقوم ذات حق بر حیات هستند. برخورداری از حداقل‌های بهداشتی، لازمه حیات و حیثیت ذاتی انسان به شمار می‌رود و عدم برخورداری از این حداقل‌ها به منزله انکار والاترین ارزش‌های انسانی است. «حقوق بشر را به‌طور کلی می‌توان آن دسته از حقوق تعریف کرد که ذاتی طبیعت ما است و بدون آن نمی‌توانیم به عنوان انسان زندگی کنیم» (شایگان، ۱۳۸۲: ۱). اهمیت حقوق بشر در جهان معاصر تا جایی است که سده «بیست و یکم را سده حقوق بشر و اطلاعات نامیده‌اند و یکی از مهم‌ترین هنجارهای امروز جامعه جهانی رعایت و احترام به حقوق بشر است» (راسخ، ۱۳۸۱: ۷). «انسان‌ها فارغ از اینکه در کجا زیست می‌کنند، به چه زبانی سخن می‌گویند، چه باورها و اعتقادهایی دارند و جدا از تفاوت‌هایی که به لحاظ عوامل زیستی و اجتماعی بر آن‌ها عارض شده است، از حیث انسان بودن هیچ تفاوتی با هم ندارند. همین وجه مشترک تمام آحاد جامعه بشری

مبنای برخورداری آن‌ها از حقوق و آزادی‌هایی شده (است) که مقید به زمان و مکان نیست» (لویین، ۱۳۷۷: ۲۹).

حقوق بشر به دنبال حفظ «کرامت انسانی»^۱ است. «هریک از اشخاص انسانی به تنهایی دارای احترام است». (نجفی اسفاد، ۱۳۸۴: ۴۴۹). کرامت انسانی به دنبال حفظ شخصیت انسانی از تعرض، بی‌احترامی، بی‌اعتنایی و رعایت حقوق از جمله آزادی‌ها و حفظ حریم خصوصی اوست. کرامت انسانی نه به عنوان یک مفهوم قابل تغییر بلکه با ارزشی درونی و ذاتی و در پی بیان هر اندیشه و مکتبی از گذشته تاکنون و در زمان آینده، همچون نگاه «فرا انسان‌ها»^۲ در عصر «به‌نژادی»^۳ ماهیت خود را حفظ خواهد کرد. «استفاده از وصف «ذاتی» برای کرامت انسانی به وضوح نشان‌دهنده «غیر قابل واگذاری و اسقاط» بودن این حق است» (شهبازی، ۱۳۹۶: ۹۹). باید گفت از زمینه‌ها و بسترهای تحقق کرامت انسانی، وجود محیط زیست سالم و حفاظت از آن است.

نسل دوم حقوق بشر^۴ مربوط به جسم انسان است. این طبقه از حقوق به دنبال تامین هر نیازی است که انسان برای فعالیت جسمی روزمره خود به آن احتیاج دارد. این حقوق مانند حق بر هوای پاک، حق بر آب آشامیدنی سالم، حق بر غذای سالم و مقوی، حق مالکیت، حق برخورداری از سرپناه و مسکن مناسب و بهداشتی، حق بر سلامت، حق بر آموزش،^۵ حق بر تشکیل خانواده است.

زمانی که به حقوق بشر نسل دوم یا حقوق مثبت اشاره می‌شود، حقوق اقتصادی و اجتماعی به ذهن متبادر می‌شود که افراد یا گروه‌ها را در برخورداری از کالاها و خدمات

1. Human Dignity.

۲. «هدف فرا انسان‌ها این است که فناوری را برای غلبه بر محدودیت‌های تحمیل شده توسط میراث ژنتیکی و زیستی انسان اعمال کند» (کاظمی، ۱۳۹۴: ۲۰).

3. Breeding.

۴. (rights Human Generation-Second) تجلی یافته در بیانیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ میلادی و میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ م.

5. The Right to Education.

اجتماعی سزاوار تلقی می‌کند (باقری حامد، ۱۳۹۸: ۶۶) برقراری این حقوق، موجب تحقق امنیت اقتصادی و غذایی می‌شود. «جوهره اصلی حق‌های اجتماعی حق بهره‌مندی از استاندارد مناسب زندگی است. بهره‌مندی از حق‌های اجتماعی نیز نیازمند بهره‌مندی از برخی حق‌های اقتصادی است» (همتی، ۱۳۸۶: ۶۹).

برخلاف حق‌های نسل اول که به‌طور عموم بر عدم مداخله دولت و نبود مانع تأکید دارند، حق‌های نسل دوم علاوه بر نبود مانع، ایجاد امکانات و لوازم را از دولت انتظار دارد. ایده مبنایی چنین تفکیکی این است که در بیشتر موارد حق‌های (طبقه) نسل اول با خودداری از انجام عملی و حق‌های دسته دوم با انجام اقداماتی محقق می‌شوند، اما مهم‌ترین وجه اشتراک این دو نسل، تأکید هر دوی آن‌ها بر فرد انسانی یا به عبارت دیگر، صاحب حق بودن فرد است (Christie, ۲۰۱۶: ۵۶).

حال باید اشاره کرد که از میان حقوق مختلف و متنوع در این طبقه و نسل، حقوقی چون حق بر کار، حق بر آموزش، حق بر تشکیل خانواده، حق بر برخورداری از غذای مقوی، حق بر بهداشت بیشتر با جرم اقتصادی مرتبط است. به همین جهت به صورت کوتاه به هرکدام از این حقوق که در صورت هرگونه بی‌توجهی به آن‌ها، زمینه و بستر جرم اقتصادی ایجاد می‌شود، می‌پردازیم.

از جمله حقوق نسل دومی بشر - حقوق اقتصادی و اجتماعی - حق بر کار است که در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و نیز در قوانین اساسی دولت‌های متعدد مورد تأیید قرار گرفته است. از سال ۱۹۱۹ با تأسیس سازمان بین‌المللی کار، جنبه‌های مختلف این حق (همچون حق دستیابی به شغل، منع تبعیض در استخدام‌ها، حق برخورداری از امنیت شغلی...) مورد تأیید بین‌المللی قرار گرفته و از این رهگذر در نظام‌های حقوقی مختلف جایگاه خویش را پیدا کرده است (Dennis, ۲۰۱۴: ۴۲۶).

این حق در بیانیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م. مورد توجه ویژه قرار گرفت. ماده ۲۲، حق بر تأمین اجتماعی، ماده ۲۳ حق کار، ماده ۲۴ در خصوص

حق استراحت و ایام فراغت و ماده ۲۵ در رابطه با تامین استانداردهای زندگی، در زمره مهم‌ترین حقوق مرتبط با کار و فراغت هستند که وجود آن‌ها باعث آسایش و آرامش و دوری از فک‌های مخرب در جهت ارتکاب جرم اقتصادی و مالی است. البته مقصود از این حق آن نیست که هر دولت برای تک تک شهروندانش شغلی مشخص فراهم آورد بلکه این حق و هسته اولیه آن به معنای دسترسی به فرصت‌های شغلی برای شهروندان است (ILO, ۲۰۱۱).

از طرفی باید اشاره کرد بررسی اسناد و قوانین مختلف حکایت از آن دارد که بی تردید حق اشتغال واجد ابعاد و عناصری معین، شفاف و قابل ارزیابی است و چنین نیست که دولت‌ها بتوانند با توسل به مشکلات موجود از زیر بار آن شانه خالی کنند. منع تبعیض در دسترسی به فرصت‌های شغلی، آزادی فرد در انتخاب مشاغل، آموزش‌های الزام برای عرضه مناسب نیروها در بازار کار، بنگاه‌های کاریابی به عنوان واسط و رابط عرضه و تقاضا و نیز حفظ شغل برای کسانی که آن را پیشتر به دست آورده اند (امنیت شغلی) و در نهایت سیاست اشتغال که این، همه را به یکدیگر مرتبط سازد می‌تواند در زمره مهم‌ترین عوامل باشند (Ashiagbor, ۲۰۰۵: ۶۶).

یکی دیگر از حقوقی که با تحقق آن بدون شک شاهد کاهش بروز جرایم به ویژه جرم اقتصادی می‌شویم حق بر آموزش است. اندیشیدن و تعقل، وجه فارق انسان از سایر موجودات عالم هستی است. قوه تعقل علاوه بر اینکه استعدادی ذاتی انسان است، استیفاء آن حقی مطلق برای تمامی انسان‌ها پدید می‌آورد که انسان بما هو انسان می‌تواند از آن بهره‌مند گردد. دولت‌ها در زمینه حق بر آموزش، دارای تعهد به احترام، تضمین و اجرای موثر هستند. تضمین و اجرای این حق بنیادین از سوی دولت‌ها در اسناد پرشماری مورد شناسایی قرار گرفته است. برای مثال منشور ملل متحد در ماده ۵۵ بر همکاری بر عرصه‌های فرهنگی و ترویج احترام موثر و جهانی به حقوق و آزادی‌های بشری بدون هیچگونه تبعیض تاکید می‌ورزد

که ترویج حقوق بشر در این مفهوم با آموزش حقوق بشر پیوند می خورد. بند نخست ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: هرکس حق دارد از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش حداقل تا حدودی که مربوط به آموزش ابتدایی و پایه ای است باید رایگان باشد.

حق آموزش شامل مسوولیت فراهم آوری آموزش مقدماتی برای افرادی است که آموزش ابتدایی را نگذرانده اند. علاوه بر این دسترسی به ملاحظات آموزشی، حق آموزش در بر دارنده الزام به محو تبعیض در همه سطوح نظام آموزشی و بهبود کیفیت آموزش است.

با ارتکاب جرم اقتصادی به دلیل از دست رفتن منابع، تجمیع سرمایه و تمرکز آن بر جای درست و روا صورت نمی گیرد؛ در نتیجه بستر شروع به کار جوانان و شهروندان زن و مرد با تولید و ایجاد واحدهای متنوع و گسترده خدمات فراهم نمی شود که موجب زمینه تضییع متقاضیان کار می گردد. حق بر آموزش از اصول پایه و بنیادی هر جامعه پیشرفته با ارتکاب و تشدید جرم اقتصادی در هر سطح و گستره ای زمینه خروج سرمایه از اختیار دولت و اختصاص بودجه برای آموزش فراهم می شود.

حق بر تشکیل خانواده، یکی از حقوق اساسی فرد است که در اسناد بین المللی حقوق بشر اعم از جهانی و منطقه ای به آن اشاره شده است و دولت ها تکالیف سلبی و ایجابی نسبت به افراد برای اعمال این حق دارند. (Cohabitation، ۲۰۱۶) ماده ۱۶ بیانیه جهانی حقوق بشر با بیان اینکه خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است، هر زن و مرد بالغی را محق به ازدواج و تشکیل خانواده بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با یکدیگر می داند. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز این حق را برای زنان و مردانی که به سن ازدواج رسیده اند، به رسمیت شناخته است (ماده ۲۳) و در ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به لزوم حمایت و مساعدت برای تشکیل و استقرار خانواده در حد اعلا و به ویژه در مورد مادر و کودک اشاره شده

است. در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر و قوانین اساسی بسیاری از کشورها نیز این حق مورد تأکید قرار گرفته است. حق ازدواج و تشکیل خانواده حقی بنیادین است و از حمایت جامع و گسترده‌ای در نظام بین المللی حقوق بشر برخوردار است.

حق بر بهداشت، حق بر داشتن بهداشت، درمان و سلامتی را می‌توان حقی بنیادین قلمداد کرد. زیرا حق بنیادین در نظام حقوق بشر به حقی اطلاق می‌شود که برای تحقق و بهره‌مندی از سایر حق‌ها و آزادی‌ها ضرورت دارد. به همین جهت، از آن‌جا که بسیاری از حقوق و آزادی‌ها بدون برخورداری از سلامتی و بهداشت بی‌معنا خواهند بود، به همین جهت حق بهداشت، درمان و سلامتی، حقی بنیادین محسوب می‌شود. نخستین اشاره به مساله بهداشت و سلامت عمومی در ماده ۵۵ منشور ملل متحد آمده است که طبق بند «ب» این ماده، دولت‌ها متعهد به ترویج راه‌حلی برای مشکلات مربوط به سلامت هستند. اما سلامتی به عنوان یک حق بشری اولین بار در سال ۱۹۴۶ در اساسنامه سازمان جهانی بهداشت به رسمیت شناخته شد.

حق بر سلامتی، حقی فراگیر و عام الشمول است. بدون شک مراقبت‌های درمانی و بهداشتی اولیه و ضروری و در اختیار داشتن این امکانات، عنصری مهم در تحقق حق بر سلامتی هستند. حق بر سلامتی متضمن یک سری از آزادی‌ها است. در این مفهوم آزادی به این معناست که هیچ‌کس نباید بدون رضایت خود تحت انجام آزمایش‌ها یا معالجات پزشکی اجباری قرار گیرد. هرگونه آزمایش و تحقیق پزشکی اجباری می‌بایست ممنوع شمرده شده و رضایت فرد در هر مورد باید از قبل اخذ شود. با استناد به ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که اشاره داشته «هیچ‌کس نباید به شکنجه و رفتارها و مجازات ظالمانه و غیرانسانی محکوم شود، به ویژه این‌که هیچ فردی نباید بدون رضایت خود محکوم شود که تحت آزمایش علمی و پزشکی قرار گیرد»، می‌توان گفت که اقدامات یا آزمایش‌های پزشکی اجباری و تحمیلی به‌سان شکنجه یا دیگر رفتارهای غیرانسانی، ظالمانه و تحقیرکننده به شمار می‌روند.

۲- تبیین مفهوم جرم اقتصادی

تشابه جرم اقتصادی با مفاهیم مشابه موجب شد تا نتوان تعریف جامع و مانعی برای آن ارائه نمود. ارتباط و نزدیکی جرم اقتصادی با فساد مالی، فساد اقتصادی، جرم تجاری یا بازرگانی و ... به گونه‌ای است که در برخی موارد هم‌پوشانی داشته باشند. در مقایسه فساد مالی با جرم اقتصادی می‌توان گفت که فساد مالی، با سوواستفاده از قدرت تفویض شده در جهت منافع شخص اعم از این‌که در بخش خصوصی باشد یا دولتی صورت می‌گیرد که در آن ویژگی مرتکب جرم (صاحبان قدرت و مستخدمین دولتی یا وابسته به دولت) موضوعیت دارد ولی مرتکب جرایم اقتصادی می‌تواند هر فردی از اعضای جامعه اعم از کارکنان دولت یا دیگر طبقات اجتماعی باشد. لذا ارتکاب جرایم فساد مالی که تنها اعتماد مردم به کارگزاران دولتی را مخدوش می‌کند بدون این‌که مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی باشد، نمی‌تواند مصداق جرم اقتصادی باشد.

یکی از نویسندگان در سال ۱۹۹۶ جرم اقتصادی را اقدام مجرمانه ای دانست که ضمن لطمه به اصل اعتماد، نظم جاری حوزه کسب و کار را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد (Lynch: ۲۱۷: ۲۰۰۳). در تعریفی دیگر جرایم اقتصادی عبارت‌اند از: «جرائمی که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آمده است اعم از این‌که در قانون جرایم اقتصادی پیش‌بینی شده باشد یا در قوانین متفرقه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌کند.

«ژلاتریک» جرم اقتصادی را رفتار اشخاص حقوقی یا حقیقی می‌داند که برای سیاست اجتماعی یا اقتصادی دولت خطری به وجود آورد یا ضرری وارد نماید. به نظر دو تن از حقوقدانان، «ژان لوک بچر» و «نیکلا کلوز»، به جرم‌هایی که با هدف دستیابی به یک امتیاز مالی ارتکاب می‌یابند جرم اقتصادی می‌گویند ولی مانع نمی‌شود که با ارتکاب این نوع جرایم، امتیازهای غیرمالی نیز تحصیل شود. رایج‌ترین تعریفی که از جرم اقتصادی صورت گرفته عبارت است از «رفتار مجرمانه‌ای که اشخاص حقیقی و حقوقی به انگیزه

تحصیل مزایای اقتصادی مرتکب می‌شوند». اما این تعریف با وجود رایج بودن، ملاحظاتی دارد. یکی اینکه عبارت اقتصادی در معنای دقیق خود به کار نرفته است. دیگر این که با قبول چنین تعریفی از جرم اقتصادی، جرایم زیادی مانند کلاهبرداری، سرقت، اختلاس، ارتشا و... در این محدوده قرار خواهد گرفت در حالی که این گونه جرایم در چارچوب شناخته شده دیگری قرار دارد. به علاوه، جرایمی که اصولاً خارج از حوزه جرایم مالی است مانند آدم‌کشی و قتل عمد با وجود انگیزه مالی ممکن است در این حوزه قرار بگیرد.

ناهمسانی تعاریف صورت گرفته از جرم اقتصادی به متفاوت بودن نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزه‌های دینی و شرایط خاص زمانی و موقعیت‌های جغرافیایی کشورها نیز برمی‌گردد. در پاره‌ای از کشورها که نظام اقتصادی متمرکز حاکم است و رقابت آزاد وجود ندارد، جرم اقتصادی دامنه وسیعی دارد و برعکس در نظام‌های اقتصادی غیرمتمرکز که رقابت، آزاد شناخته شده است دامنه این گونه جرایم بسیار محدود است و به همین خاطر عقیده برخی بر این است که در نظام‌های غیرمتمرکز، حقوق جزای اقتصادی وجود ندارد چرا که سیاست‌های اقتصادی در دست حاکمیت نیست بلکه خود بازار تعدیل کننده و تنظیم کننده سازوکار بازار است و از طرف دیگر چون سیاست‌های کیفری از طرف دولت تعیین و اعمال می‌شود به علت فقدان رابطه میان بازار و دولت، شناخت جرم اقتصادی منتفی است. دامنه این گونه جرایم در نظام اقتصادی لیبرال محدود است و حقوق کیفری به لحاظ دغدغه حمایت از سرمایه و جلوگیری از رعب و وحشت و فرار سرمایه‌گذاران، جرایم اقتصادی ناچیزی را از نظر کمی پیش بینی کرده است.

در خصوص دادرسی جرایم اقتصادی، توجه به ابعاد جرم شناختی این جرایم نیز با اهمیت است، چنانکه راهکارهایی جدید را برای مقابله با جرایم اقتصادی و به خصوص برای پیشگیری از وقوع آنها در نظر می‌گیرد (حسینی و اسمعیل زاده، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

رفتار مجرمانه در جرایمی مانند اختلاس تفاوتی آشکار با رفتار مجرمانه در کلاهبرداری، ارتشاء، پول شویی و جرایم ارزی- مالی دارد. هرکدام از این جرایم، که به عنوان مصداق جرایم اقتصادی محسوب می‌شود، به گونه‌ای متفاوت و با رفتار منحصر به فرد خود ارتکاب می‌یابد. برای نمونه، در جرم اختلاس، فردی که کارمند دولت محسوب می‌شود در هر پست و مقامی با استفاده از قدرت خود و عمدتاً به صورت سازمان یافته مرتکب جرم می‌شود. نوع رفتار وی در این گونه از جرایم به صورت خشونت‌آمیز انجام نشده است، ولی در جرمی مانند ارتشاء رفتار به کلی متفاوت است. شخص مجرم در جرم ارتشاء ممکن است کارمند دولت نباشد و به صورت سازمان یافته نیز اقدام به انجام چنین جرمی نکرده باشد. از طرف دیگر، جرم ارتشاء زمانی صورت می‌گیرد که شخص می‌خواهد با نادیده گرفتن قانون، برای مثال در مزایده، مناقصه یا موضوعی که منفعت مالی برای وی دارد، برنده شود. این در حالی است که در اختلاس، مجرم به دنبال رسیدن به منفعت واسطه‌ای نیست. نمونه دیگری از جرایم اقتصادی جرم پول شویی است. در یک تعریف بسیار ساده، پول شویی فرآیند تبدیل پول‌های نامشروع ناشی از فعالیت‌های غیرقانونی و نامشروع به پول‌های تمیز، مشروع و قانونی است که اقتصاد زیرزمینی، نظام اداری ناسالم و ناکارآمد و نظام مالی فاقد سیستم نظارتی قوی بستری مناسب برای ارتکاب آن محسوب می‌شوند. پول شویی دارای اثرات گسترده نامطلوب و زیان‌باری است. اختلال در بازارهای مالی، افزایش تورم، کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی، فساد اداری، خروج سرمایه از کشور و کاهش اعتماد عمومی در سطح داخلی و خارجی از جمله پیامدهای پول شویی است. رفتار مجرمانه در پول شویی به کلی با جرم اختلاس متفاوت است. از اساس جرم پول شویی به عنوان یک جرم ثانویه شناخته می‌شود؛ این بدان معناست که پیش از وقوع پول شویی، جرمی دیگر رخ داده است که حتی ممکن است مستقیماً جنبه مالی نداشته باشد، ولی پول شویی آن را تبدیل به منفعت مالی می‌کند. برای نمونه، جرم آدم‌ربایی یک جرم مالی محسوب نمی‌شود، ولی ممکن است

دارای عواید مالی باشد و مجرم به صورت مستقیم و یا با همکاری یک گروه سازمان یافته، برای مشروع نشان دادن درآمد حاصل از آن، دست به اقداماتی دیگر بزند. همانطور که مشخص است، رفتار مجرمانه در پول شویی در مقایسه با جرمی نظیر اختلاس به کلی متفاوت است، چنانکه معمولاً در این گونه از جرایم، شاهد رفتارهای خشونت آمیز نیز هستیم (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۴۶).

نخستین و به عبارتی مهم ترین نکته در خصوص جرایم اقتصادی این است که مفاسد یا جرایم اقتصادی توسط هر مجرمی ارتکاب نمی یابند. شاید بتوان نخستین ویژگی شخصیتی مجرمان اقتصادی را هوش، اعتماد به نفس بالا و ذکاوت آنها دانست. این افراد در شرایطی که بدون رانت به جایگاهی رسیده باشند عموماً از زیرکی و هوشی بسیار برخوردار هستند و به سبب همین هوش و البته توانایی های علمی به این جایگاه رسیده اند.

در اینجا ضروری است به طور کوتاه رهیافت های خاص در مورد جرم اقتصادی مورد اشاره قرار گیرد. رهیافت های «گری بکر» که به نظریه نئوکلاسیک یا اقتصادی تبیین جرم مشهور است توسط اقتصاددانان در دهه ۱۹۶۰ ارائه شده و بیانگر این موضوع است که فرآیندهایی که منجر به رفتار کیفری می شود به مثابه همان فرآیندهایی است که رفتار مصرف کننده را در بازار شکل می دهد. با این دیدگاه هماهنگ است. ریشه های این نظریه را می توان در نظریات «بنتام» و «بکاریا» مشاهده نمود. نظریات این دو تن در مورد مجازات مجرمین و معیار ارباب برای جلوگیری از ارتکاب جنایت اگرچه در آن زمان متوجه جرایم اقتصادی نبوده است ولی محاسبه هزینه - منفعت که به خصوص در دیدگاه بنتام مشهود است، در برآورد مرتکب، برای جرایم اقتصادی که مستقیم با انگیزه تحصیل سود و امتیاز مادی است قابل توجیه است.

«گری بکر» معتقد بود که مجرمان به لحاظ زیستی، روان شناختی و اجتماعی متفاوت از دیگران نیستند و تصمیم آنان به ارتکاب جرم، تنها متأثر از انگیزه ها و عوامل

جبری نیست بلکه از تمامی مؤلفه‌هایی که رفتارهای عامدانه و قاصدانه انسانی را شکل می‌دهد تأثیر می‌پذیرد. بنابراین به همان شکل که در اقتصاد، افراد برای رفتار اقتصادی دست به انتخاب می‌زنند، درگزینش متغیرهای مجرمانه از متغیرهای غیرمجرمانه امکان انتخاب دارند و همانند مصرف‌کننده‌ای در بازار عمل می‌نمایند. براساس این نظریه، افرادی که تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرند، همان تحلیل هزینه - منفعتی را به کار می‌گیرند که هنگام اتخاذ رفتارهای قانونی دارند.

«جوکوئیست» با پیروی از روش بکر، مدلی پایه‌گذاری نمود که در آن افراد با فرض داشتن زمان ثابت، آن را در میان کارهای قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌نمایند که در آن هزینه‌های مالی و روانی و عایدی مورد انتظار ناشی از جرم در تصمیم‌گیری‌های آنان مؤثر است. (Sarlis, 2019: 34) پس در رهیافت اقتصادی به رفتار جنایی می‌توان گفت، شخصی که مرتکب جنایت می‌شود به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت قانونی بی‌تناسب با خصوصیت شخصیت و انگیزه‌های خود، با انتظارات مادی و منفعت حاصل از عمل مجرمانه خود که در مقایسه با فایده احتمالی حاصل از صرف وقت و منابع مالی در فعالیت قانونی، از قطعیت و ارزش بیشتری برخوردار است تمام توجه خود را معطوف به ارزیابی مزایا و هزینه‌های مربوط به جرم اقتصادی می‌نماید. این معیار با دیدگاه مکاتب تحلیل اقتصادی حقوق در ارتباط و تأثیر متقابل قواعد حقوقی و انگیزه‌های ارتکاب جرم منطبق است.

رویکرد اقتصادی به قوانین کیفری پیش‌بینی می‌کند که افراد مجرم همانند دیگران به محرک‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند و شواهد روشنی دال بر این نکته وجود دارد که افزایش احتمال و شدت مجازات در یک رفتار مجرمانه، میزان ارتکاب آن جرم را کاهش می‌دهد.

در نهایت اگر بخواهیم تعریف مدنظر از جرم اقتصادی را ارائه دهیم باید بیان کنیم که جرایم اقتصادی هرگونه رفتاری است که عملکرد نهادهای اقتصادی، بازاری،

کالا و خدمات، بازارهای عوامل تولید، نهادهای مرتبط با اقتصاد مانند گمرک و وزارت بازرگانی یا فرآیندهای میان نهادی آن را یا یکی از ارزش‌های بنیادین ثبات شفافیت، رقابت یا اعتمادپذیری در اقتصاد را میان برده یا دچار اختلال می‌کند. در رویه قضایی براساس قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی مصوب ۱۹ آذر ۱۳۶۹ جرم اقتصادی به جرمی اطلاق می‌شود که علیه دولت یا نهادهای عمومی با وصف کلان ارتکاب یابد.

۳- ویژگی‌های جرم اقتصادی

جرم اقتصادی دارای مفهومی گسترده‌تر از جرایم کسب و کار است. همین گستردگی موجب شده تا جرایم اقتصادی ویژگی‌هایی به این شرح داشته باشد.

۱. در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای به طور عمده عاملان به دنبال سود است.

۲. به صورت یک مجموعه یا نظام منسجم و سازمان یافته رفتار می‌کند.

۳. باید با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای صورت بگیرد.

۴. مرتکبین به طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند.

جرم اقتصادی از نظر بزه‌دیده نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است. اگر در جرایم سنتی و عمومی معمولاً بزه‌دیده مستقیم وجود دارد، در جرایم اقتصادی علاوه بر بزه‌دیدگان مستقیم، آثار و پیامدهای این‌گونه جرایم گریبان‌گیر بزه‌دیدگان غیرمستقیم نیز می‌شود. بنابراین باید گفت جرایم اقتصادی موجب اختلال و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با دست داشتن امکانات مالی، هزینه تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند از صحنه رقابت خارج می‌کنند. هم‌چنین در کشورهای در حال

توسعه بر میزان بودجه دولت تأثیر گذاشته در نتیجه منجر به کاهش کنترل دولت بر سیاستگذاری‌های اقتصادی می‌شود. بنابراین مجرمان اقتصادی ثروت‌های خود را در جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که هم سود بیشتری عایدشان شود و هم امکان فرار قانونی وجود داشته باشد (Budima, ۲۳۳: ۲۰۰۶).

از طرفی باید گفت سه مؤلفه حاکم بر جرایم اقتصادی عبارت هستند از: نخست، جرایم اقتصادی جرایمی اصیل نیستند و با ویژگی عارضی از جرایم عمومی تشکیل می‌شوند. دوم، جرایم اقتصادی در ایران رابطه‌ای تنگاتنگ با امنیت ملی دارند. اقتصاد عموماً دولتی و شبه‌دولتی در ایران و رویکرد متضاد با بازار آزاد سبب شده است جرم اقتصادی عموماً جرم امنیتی هم تلقی شود. سوم، جرایم اقتصادی در مفهوم شکلی و ساختاری (نه ماهوی) عموماً بر رویکرد جهانی و وارداتی استوار هستند و این دسته از جرایم پس از اتمام جنگ سرد و با محوریت سازمان ملل متحد مطرح شده و به تدریج در ایران نیز برجسته شده است.

همچنین در خصوص مرتکبان جرایم اقتصادی باید گفت اینان افرادی با هوش و ذکاوت هستند و امکان مقایسه آنها با مرتکبان سایر جرایم وجود ندارد. بی‌گمان امکان بازجویی و دادرسی این افراد با یک شیوه خاص نمی‌تواند گامی مؤثر در فرآیند دادرسی باشد. از سوی دیگر، ابعاد گسترده این جرایم باعث می‌شوند برخی از افرادی که می‌توانند نقشی مهم در کشف حقایق داشته باشند به سبب ترس از رویارویی با افراد با نفوذ نتوانند در فرآیند دادرسی مؤثر باشند (آیت، همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶۹). به همین جهت و ویژگی‌های خاص این جرم در برخی قوانین قالب کیفیت مشدد افساد فی الارض برای جرایم اقتصادی به کار برده شده است. از جمله ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۱ قانون مبارزه با اخلاگران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹.

۵- بسترها و علل بروز جرم اقتصادی از منظر اجتماعی و اقتصادی

با توجه به اقتصاد دولتی فعلی در ایران، ساختار مالکیت در کشور متمرکز است، بنابراین ضروری است با در نظر گرفتن سازکارهای لازم، از منافع اقلیت در مقابل سرمایه‌داران عمده و گاه مستعد فساد مالی حمایت شود. در این رابطه موضوع تدوین مقررات مبارزه با جرایم اقتصادی از یک سو و اجرای مناسب آن قوانین و مقررات از سوی دیگر می‌تواند موجب پیشگیری از وقوع این جرایم و نیز جبران حداکثری خسارات ناشی از آن‌ها باشد. از این رو، در نخستین اقدام مراجع ذی‌صلاح باید نسبت به افتراقی‌سازی درست و کاربردی دادرسی جرایم اقتصادی اقدام کنند تا حداقل از منظر حقوقی و قانونی مقابله با جرایم اقتصادی عملی شده باشد. (آیت، ۱۳۹۸: ۲۷۲)

جرایم اقتصادی انواعی گوناگون دارند و این به معنای وجود رفتارهای متفاوت در این‌گونه جرایم است. اگرچه برخی اصول و کلیات در آن یکسان هستند، وقوع هر کدام از جرایم اقتصادی مستلزم بروز رفتارهایی متفاوت است. با وجود این، برخی رفتارها در این جرایم از قبیل نیرنگ، فریب، سوءاستفاده از اعتماد، پنهان‌کاری، سوءاستفاده از جایگاه شغلی و دسترسی به منابع قدرت یکسان هستند.

بسیاری از حقوقدانان و متخصصان حوزه جرایم اقتصادی بر این عقیده هستند که نوع رفتار در جرایم اقتصادی معیاری مناسب برای تمایز جرم اقتصادی از جرایم اقتصادی دیگر است. به عبارت دیگر، با مطالعه در رفتار جرم اقتصادی باید این نوع جرم را از سایر جرایم اقتصادی تمیز داد و طبیعتاً نحوه دادرسی آن نیز متفاوت خواهد بود (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۵)؛ این بدان معناست که نه تنها رفتار جرم اقتصادی با نوع رفتار در جرم سنتی متفاوت است، بلکه حتی رفتار در جرایم اقتصادی نیز از انواعی گوناگون برخوردار است. برای تشخیص نوع رفتار جرم اقتصادی، عموماً رفتار مجرم مطالعه می‌شود و بر آن اساس جرم اقتصادی از دیگر جرایم متمایز می‌شود. بنابراین، باید گفت نمی‌توان جرایم اقتصادی را در یک دسته در نظر گرفت و نحوه رسیدگی به این جرایم را

به صورت یک شکل پیش برد، زیرا به سبب تفاوت در رفتار جرایم اقتصادی، که تفاوت در آثار جرم را شامل می‌شود، بهتر است روند دادرسی جرایم اقتصادی بر اساس رفتار جرم متفاوت باشد. از سوی دیگر، باید اذعان داشت استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی در جرایم اقتصادی نمی‌تواند کارساز باشد و بهتر است از رویکرد اقتصادی استفاده شود و ماهیت رفتارهای مجرمانه را نیز در بستر ارتکاب آنها در نظر گرفت (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۵).

اگر چه علل و عوامل مؤثر بر بروز جرم مذکور در کشورهای مختلف با روش‌های متفاوتی بررسی می‌شوند؛ با این وجود، می‌توان با جمع‌بندی تحلیل‌های مختلف از جرم اقتصادی به شرح زیر عواملی را برشمارد.

الف. عوامل اداری و مدیریتی

۱. قوی نبودن فرهنگ سازمانی و دل‌بستگی نداشتن کارکنان و مدیران به سازمان و اهداف آن؛
۲. مسائل و مشکلات اقتصادی کارکنان و بی‌توجهی به وضع زندگی آن‌ها و نیز بیم‌افزایش تورم و اطمینان نداشتن به آینده شغلی؛
۳. بی‌ثباتی در مدیریت و ابهام در سیاست‌ها؛
۴. توزیع نامتناسب درآمدها بین گروه‌ها در سازمان و بین کارکنان بخش‌های دولتی و غیردولتی؛
۵. اعطای اختیارات بیش از اندازه و قدرت زیاد و سوءاستفاده از آن؛
۶. نقصان و پیچیدگی قوانین و مقررات و عدم تطابق با واقعیت‌های ملموس؛
۷. بی‌توجهی به شایسته‌سالاری و واگذاری فعالیت‌های حساس به افراد غیرمتعهد و بی‌تجربه؛
۸. نبود انگیزه ناشی از فقدان نظام تشویق و تنبیه مناسب؛

۹. انحصار فعالیت‌های اداری برای گروه‌های خاص؛

۱۰. ضعف ساختارهای نظارتی و فقدان هماهنگی‌های لازم در بعد نظارت؛

۱۱. نبود شفافیت و پاسخگویی در فعالیت‌های نظام اداری؛ (حسنی، ۱۳۹۴: ۴۶).

در این خصوص ضروری است به برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۲ هیات وزیر اشاره کنیم که ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد از جمله امور زیر صورت می‌پذیرد. شفاف‌سازی انجام امور و فعالیت‌ها و افزایش پاسخگویی، افزایش رضایتمندی خدمت‌گیرندگان و احقاق حقوق و احترام به ارباب رجوع، برقراری نظام شایسته سالاری در انتخاب‌ها و انتصاب‌ها.

بانگاهی به قوانین اخیر متوجه می‌شویم که متغیر اداری و مدیریتی به عنوان عاملی مهم و تاثیرگذار در نگاه سیاستگذاران و قانون‌نویسان است. به عنوان مثال در تبصره ۳ و ۴ ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که در جلسه علنی مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید به لزوم انتشار فهرست صرافی‌های مجاز و تشریفات قانونی و مسیرهای مجاز ورود و خروج ارز در روزنامه رسمی و درگاه اینترنتی بانک مرکزی اشاره شده است. این اقدام قانونی در جهت اعمال شفافیت بیشتر و در نتیجه جلوگیری از ارتکاب جرم اقتصادی در عملکرد فعالان اقتصادی بسیار مهم و چشمگیر است.

همچنین در «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» مصوب ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ با تاکید بر وظیفه هیات مقررات زدایی و بهبود محیط کسب و کار، زمینه صدور مجوز به شکل آسان‌تر و رها از پیچیدگی‌های اداری در زمان کمتر و با تسهیلات بیشتر فراهم شده است. این موضوع امکان کسب و کار و رقابت را بیشتر کرده است. امری که با توجه به تحقق حق کار و رونق اشتغال موجب دوری از ارتکاب جرم خواهد شد. به این مساله باید اضافه کرد که با اعمال صحیح و خردمندانه این قانون و با وجود پیش‌بینی سامانه الکترونیک قراردادهای تسهیلات از ارتکاب جرم مالی و اقتصادی در صدور مجوزها جلوگیری خواهد شد.

ب. عوامل فرهنگی و اجتماعی

۱. فقدان وجدان کاری، انضباط اجتماعی و بی‌توجهی به مبانی ارزشی جامعه؛
 ۲. ناآگاهی یا آگاهی کم افراد از حدود وظایف و فعالیت‌های دستگاه‌های گوناگون؛
 ۳. نظام تأمین اجتماعی ناکارآمد به ویژه برای حمایت از کارکنان دولت.
- در قانون برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، به نقش متغیرهای فرهنگی و اجتماعی در عدم ارتکاب فساد تاکید شده است. طبق این قانون بهبود فرهنگ عمومی و تقویت نظارت مردمی، بهبود فرهنگ سازمانی، تقویت مشارکت و فعالیت بخش‌های غیردولتی با رفع موانع انحصاری فعالیت‌های اقتصادی، اجرایی و توسعه‌ای کشور از جمله برنامه‌های مورد نظر جهت برخورد با فساد است.

ج. عوامل سیاسی

ساختار سیاسی-اجتماعی، میزان قدرت و مسوولیت سیاستمداران را مشخص می‌کند. آنان از این طریق بر منافع و هزینه‌هایی نظارت می‌کنند. سه متغیر عمده سیاسی اثرگذار بر میزان فساد به شرح زیر است:

۱. نحوه تقسیم قدرت سیاسی
 ۲. میزان آزادی‌های سیاسی به ویژه قدرت نقد حاکمیت
 ۳. میزان ثبات سیاسی (میرسعید، زمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۹).
- در این خصوص به اصل هشتم قانون اساسی ایران که اشاره به اصل امر به معروف و نهی از منکر دارد اشاره می‌کنیم که با نقد اقدامات سیاسی دولتمردان و برنامه‌های کلان و اجرایی دولت در راستای مقابله با فساد گام مهمی محسوب می‌شود. همچنین باید به قانون دسترسی به اطلاعات و اسناد کشور مصوب ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی اشاره کنیم که تازنمایی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایجاد شده است و گام مهم و مثبتی برای سلامت اداری و دوری از فساد و جرم اقتصادی است.

د. عوامل اقتصادی

در کشورهای پیشرفته، فعالیت‌های دولت به سیاست‌گذاری‌های کلان محدود شده است، اما در کشورهای در حال توسعه دولت با تمام ابعاد زندگی مردم، نه تنها به عنوان کارفرما، بلکه به عنوان تنظیم‌کننده امور و تولیدکننده و توزیع‌کننده بزرگ ارتباط دارد و به دلیل فقدان بخش خصوصی، دامنه فعالیت‌های دولت در این کشورها روز به روز افزایش می‌یابد. این امر افزون بر محدودیت‌هایی که از جانب دولت در زمینه‌های مختلف برای تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد می‌شود، زمینه‌ساز بروز جرم اقتصادی است (Rosenfeld, 2013).

به نظر «ادوین ساترلند»، مجرمان اقتصادی - که در نظر وی بیشتر مجرمان یقه‌سفید نامیده شده‌اند - نخبگان اقتصادی هستند که واجد احترام و جایگاه اجتماعی بالایی بوده و در اجرای یک فعالیت حرفه‌ای دست به فعالیت غیرقانونی می‌زنند. ایرادی که به تعریف ساترلند وارد شده این است که به انگیزه کسب مال یا کسب امتیاز غیرقانونی برای مرتکب یا سازمان متبوع وی در انجام فعالیت مجرمانه تصریح نشده است. به علاوه جرم‌شناسان در مطالعات خود بر مجرم و مرتکب جرم تأکید دارند و به شناسایی جرم چندان توجهی ندارند. ایراد دیگر تعریف ساترلند، تأکید بر ارتکاب عمل غیرقانونی در قالب «فعالیت حرفه‌ای» است در حالی که جرایم اقتصادی ممکن است خارج از چارچوب فعالیت حرفه‌ای نیز ارتکاب یابد. در معرفی جرایم یقه‌سفیدی به عامل یا مرتکب جرم توجه می‌شود ولی جرایم اقتصادی را به اعتبار حوزه اقتصاد بررسی می‌کنند. به نظر می‌رسد جرایم یقه‌سفیدان با جرایم اقتصادی هم‌پوشانی کامل نداشته باشد. از دیدگاه «بچر» حقوقدان سوئیسی، جرم اقتصادی «مجموعه‌ای از جرایم علیه اموال است که بدون خشونت ولی همراه با تزویر و فریب یا سوءاستفاده از موقعیت، قدرت یا قدرت نفوذ و تأثیرگذاری یا با انگیزه کسب منفعت ارتکاب می‌یابد». با این وصف جرایم اقتصادی فراتر

از جرایم یقه سفیدان است زیرا جرم اقتصادی جرایم ارتكابی خارج از چارچوب فعالیت حرفه‌ای مبتنی بر تزویر را هم در بر می‌گیرد.

پس از ذکر این توضیح‌ها باید گفت متغیرهای اقتصادی و اجتماعی موثر بر جرم شامل موارد زیر می‌گردد.

۱. سطح اخلاق عمومی و وجدان کار
۲. میزان مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی
۳. سطح حقوق و مزایای کارمندان
۴. احتمال کشف فساد اداری
۵. شدت تنبیهات قانونی برای مرتکبین فساد اداری
۶. شدت تعهدات و علایق خانوادگی و خویشاوندی
۷. شدت گسترش و شیوع فساد اداری
۸. دامنه فعالیت‌های نظارتی و تنبیهی دولت
۹. شدت کاغذبازی و سنگ اندازی در نظام اداری

این عوامل در قوانین مختلف مربوط به مبارزه با فساد و جرم اقتصادی در ایران مورد نظر قرار گرفته است. به عنوان نمونه به ماده ۴ قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی ج.ا.ایران اشاره می‌کنیم که در اجرای ماده ۳ این قانون هر یک از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌ها و دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها موظفند سوابق همه وزراء، معاونان، مدیران کل وزارتخانه و استان، ذیحسابی‌ها، استانداران، فرمانداران، شهرداران، رؤسا و مدیریت‌ها و سرپرستان سازمان‌ها و شرکت‌ها و حسب مورد پرونده‌های طرفین قراردادهای و مقاطعه‌کاری‌ها و سوء استفاده‌ها و تبانی‌های غیر قانونی و افراد و عوامل حیف و میل بیت‌المال را بررسی و هرگاه به موارد مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی برخورد نمودند به صورت شکایت، دادخواست و یا گزارش در محاکم قضایی صالحه طرح نمایند.

۶- متغیرها و عوامل فکری و ذهنی بر وقوع جرم اقتصادی

از بسترها و عوامل وقوع جرم اقتصادی، متغیرهایی است که بر ذهن و تصمیم مجرمان اقتصادی اثرگذار خواهد بود. با وجود این شاخص‌ها، افرادی که در جایگاه و نقشی قرار دارند که امکان ارتکاب جرم اقتصادی به واسطه آن نقش و موقعیت توسط آن‌ها وجود دارد به فکر ارتکاب یا عدم آن خواهد افتاد.

۱-۶- کم بودن و یاکم ارزشی مطلوبیت اقتصادی

مشخص است که مجرمان اقتصادی و کسانی که فکر ارتکاب چنین جرمی را در ذهن می‌پروراند جدا از تبعات اجتماعی که منجر به بی‌آبرویی و لطمه به حیثیت و اعتبار آنان می‌شود (البته این مهم در جامعه ای است که اصولاً ارتکاب جرم اقتصادی اعم از اختلاس و تبانی، امری مضموم و زشت و نه نشان از تدبیر و زرنگی باشد) در صورتی که تصور کنند و با ارزیابی خود متوجه شوند که نفع اقتصادی ارتکاب جرم اقتصادی برای آنان از مطلوبیت برخوردار است این احتمال وجود دارد مرتبه و مرحله نخست فکر به ارتکاب جرم اقتصادی را در ذهن خود سپری کرده باشند و به فکر سایر تبعات احتمالی آن باشند. براساس نظریه انتخاب عقلانی در جرم‌شناسی، مجرمان بالقوه زیادی در جامعه وجود دارند که با محاسبه و درک از عقلانی بودن عمل خود برای کسب سود بیشتر به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند. بنابراین با شناسایی شرایط و فرصت‌های ارتکاب جرم اقتصادی و کاهش آنان می‌توان مانع از ارتکاب جرایم اقتصادی شد (کریم نژاد، همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷۷).

البته مشخص است که به طور معمول ارتکاب جرم اقتصادی بیش از سایر جرم‌های مالی از مطلوبیت مالی و اقتصادی برخوردار است اما این امکان نیز وجود دارد مرتکب جرم اقتصادی برای شروع و به پایان رساندن چنین جرمی، هزینه‌هایی نموده باشد که مطلوبیت آن برای وی کم شده باشد.

۲-۶- دستگیری

متغیرهایی همچون احتمال دستگیری و سپس بروز مشکلات مربوط به آن چون حضور در پلیس و دادگاه و سپس محکومیت که منجر به فشار فکری، ذهنی و تحمل حبس و هزینه برای مرتکب خواهد بود. کشف جرم، دستگیری، مجازات و اجراء بخشی از این هزینه هستند. در الگوی گری بکر به هر دوی این هزینه‌ها، یعنی هم‌آنچه مربوط به نظام کیفری است و هم هزینه‌های عادی جرم، اشاره شده است.

در تحلیل هزینه‌های جرم، درک و تصویری که عموم مردم از خطر مجازات به عنوان مهم‌ترین هزینه ارتکاب جرم دارند اهمیت دارد؛ منشأ این تصورات می‌تواند متفاوت باشد، از آگاهی‌های عموم مردم از قوانین جزایی گرفته تا تصوراتی که رسانه‌ها از خطر مجازات شدن ایجاد می‌کنند. فاصله این تصورات تا واقعیت عملکرد نظام عدالت کیفری ممکن است بسیار باشد. از طرفی عموم مردم که در شرایط عادی تصوراتی خاص از هزینه‌های جرم دارند ممکن است در شرایط مواجهه با عوامل محرک ارتکاب و وسوسه‌های مجرمانه تصورات خود را تعدیل کنند (حدادزاده، ۱۳۹۹: ۱۶). البته باید اشاره کرد سطح تحلیل و سنجش افراد متفاوت است. تلقی افراد خطرپذیر از این هزینه‌ها متفاوت از تلقی افراد خطرگریز است. همچنین، از آنجا که عملکرد نظام عدالت کیفری در مواجهه با جرایم متاثر از نظام حکومتی و ایدئولوژی حاکم نیز است، تلقی افراد از این هزینه‌ها با نگرش آنها نسبت به حکومت نیز بی‌ارتباط نیست. البته این ادعا که مجرمین دقیقاً بر خلاف افراد عادی خطرپذیرند مورد تردیدهای جدی قرار گرفته است، ولی به هر حال یکی از ادعاهای «گری اس. بکر» این بود که مجرمین در مقایسه با افراد عادی خطرپذیر هستند (Mungana, ۲۰۱۶: ۸۰۱). این مساله در قوانین ایران مورد توجه بوده است از آن جایی که قوانین مربوطه با لزوم دستگیری و اعمال مجازات به دنبال کاهش بروز فساد و ارتکاب جرم اقتصادی بودند به عنوان نمونه باید به قانون محوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام

اشاره کنیم.

۳-۶- محکومیت و مجازات

یکی از عواملی که در ارتکاب یا عدم جرم اقتصادی موثر است برآورد و ارزیابی محکومیت از سوی افرادی است که امکان ارتکاب چنین جرم‌هایی را دارند. در صورتی که چنین افرادی تصور کنند که با وجود ارتکاب به جرم اقتصادی به دلایلی دستگیر نمی‌شوند و در نتیجه محاکمه و محکوم نخواهد شدند امکان ارتکاب جرم از سوی آنان بیشتر می‌شود. آنان به این احتمال نیز فکر می‌کنند که ممکن است اقدامات آنان در بروز جرم اقتصادی، آشکار شود اما به واسطه برخی از تعاملات نادرست و غیرحقوقی، منجر به ایراد اتهام به سوی آنان نشود.

گزینه دیگر مدنظر کسانی که به فکر جرم اقتصادی هستند آن است که با وجود بعضی از روابط ناسالم و خاصیت فسادزای جرم اقتصادی این احتمال وجود دارد که با وجود آشکار شدن و حتی ایراد اتهام به آنان، پرونده‌ای برای آنان تشکیل نشود و در نتیجه در فرایند قضایی قرار نگرفته و محکوم نشوند.

محکومیت قضایی و تحمل مجازات، یکی از مسایل مهم در بینش و تفکر کسانی است که به فکر ارتکاب جرم اقتصادی هستند. اگر افرادی که در معرض و یا امکات ارتکاب جرم اقتصادی دارند به طور اطمینان بخشی در خصوص محکومیت و مجازات فکر کنند و احتمال آن را در صورت جرم زیاد بدانند احتمال ارتکاب آن کم می‌شود. در این خصوص با توجه آن که «جرایم در پیکره دستگاه عدالت کیفری (دستگاه‌های قضایی و دادگستری) نظام بانکی، موسسه‌های مالی و گمرکی نفوذ کرده است بحث تشدید مجازات در جرایم اقتصادی می‌تواند بر پیشگیری از این جرایم کمک نماید» (برزگی، همکاران؛ ۱۴۰۱: ۲۴۰). تشدید مجازات جهت جلوگیری از ارتکاب جرم مالیاتی در سیاست کیفری جرایم مالیاتی نیز پی‌گیری شده است. بنابراین با اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم

۱۳۹۴ در ماده ۲۷۴ که هفت مصداق برای جرم مالیاتی احصا شده است شاهد ترمیم در ساختار سیاست کیفری در خصوص جرایم مالیاتی هستیم (عبدالرحیمی، ۱۴۰۱: ۳۰۶). البته این احتمال را نیز ممکن است متصور شوند که در صورت تشکیل دادگاه و بررسی جرم ارتكابی، بتوانند از محکومیت و مجازات خود جلوگیری کنند که باز در این حالت ارتكاب جرم اقتصادی بیشتر می‌شود.



برآمد

جرایم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می‌کند و باید این دسته از جرایم با سیاست جنایی جامعی کنترل شود. ماهیت این جرایم به صورتی است که عموماً فراتر از حوزه داخلی یک کشور ارتکاب می‌یابند. از این رو، با توجه به درگیر بودن بیشتر کشورهای دنیا در این زمینه، چالش‌های پیش روی دولت‌ها برای رفع مشکلات ناشی از این جرایم منجر به تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در سال ۲۰۰۳ شد. این کنوانسیون که تحت عنوان کنوانسیون «مریدا» شناخته شده است برای نخستین بار دلایل موّجه لزوم افتراقی‌سازی دادرسی جرایم اقتصادی را مطرح کرد.

فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام‌های اقتصادی پیشرفته، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند، درحالی‌که نظام حقوقی به‌ویژه حقوق کیفری ایران تدبیر خاصی در برابر این دسته از جرایم ندارد. قانون جدید مجازات اسلامی برای نخستین بار به روش «تبیین حصری مصادیق» مفهومی از جرم اقتصادی ارائه کرده است. اما به دلیل ابهام در مصادیق، عدم جامعیت مصادیق و فقدان معیار خاص برای تمییز جرایم اقتصادی از سایر جرایم، این مفهوم بیش از آنکه به نفع نظام حقوقی باشد به نفع مجرمان اقتصادی واقعی است.

جرایم اقتصادی نه تنها می‌توانند منجر به از بین بردن نظم و انسجام داخلی یک کشور شوند، بلکه در صورت سازمان‌یافته بودن ممکن است در سطحی وسیع‌تر چنین آثاری را محقق کنند؛ بدین جهت کشورها به دنبال ایجاد قوانینی هستند که در این خصوص منجر به بازدارندگی مرتکبان شوند. همچنین، با توجه به امکان تنوع وقوع جرایم اقتصادی این مساله مطرح می‌شود که نمی‌توان همه این جرایم را به یک شیوه دادرسی کرد و بدین سبب قالب‌های سنتی دادرسی جرایم اقتصادی نمی‌توانند مشکلات فعلی را سامان دهند. از طرفی بسترها و زمینه‌های داخلی ارتکاب جرم اقتصادی نیز که

نقش فعالی در ارتکاب چنین جرمی دارد به مانند عدم ترس از لطمه خوردن به اعتبار و حیثیت فردی و اجتماعی، دستگیری و محکومیت و اعمال آن باعث ارتکاب بیشتر جرم اقتصادی می‌شود. درحالی‌که اگر افراد خود را مواجه به دادرسی قوی، نظام اجتماعی کاملاً مسوولیت پذیر و متعهد بدانند علاوه بر ترس از دستگیری و محکومیت خود به چنین جرمی مبادرت نمی‌ورزند.

در ادامه با توجه به بررسی و مطالعه صورت گرفته، پیشنهادهایی از جمله تقویت سازوکارهای نظارت مردمی بر فرایند اجرا و اقدام، پاسخگو شدن تمام مسوولان به اندازه تعهدات و وظایف پیش بینی شده، شفافیت عملی در تمام امور کشور به خصوص اقتصادی و نظارتی، رصد و پی‌گیری فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی، کارکنان و شهروندان جهت دورزدن قوانین و بخشنامه‌ها و مقابله با آن، تشکیل هیاتی جهت نظارت بر اجرای قوانین اقتصادی و مقابله با جرم اقتصادی، برنامه ریزی‌های بلند مدت و کوتاه مدت اقتصادی در راستای بهبود وضعیت معیشت مردم و کارکنان دستگاه‌های اداری و دولتی به ویژه اقتصادی، پی‌گیری دقیق اجرای دادسرای افتراقی جهت جرایم اقتصادی، اجرای دقیق و بدون تبعیض قانون در همه زمینه‌ها، اجرای بدون تبعیض مجازات‌های مصرح در خصوص مجرمان اقتصادی ارایه می‌شود.

منابع

فارسی

- آیت، علیرضا؛ همکاران (پاییز ۱۳۹۸) توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب، *پژوهش حقوق کیفری*، سال ۸، شماره ۲۸.
- باقری حامد، یوسف (تابستان ۱۳۹۸) آموزش حقوق بشر و حق بر سلامت و بهداشت عمومی، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۶، شماره ۶۱.
- برزگری، فروغ؛ همکاران (بهار ۱۴۰۱) بررسی بنیادهای کیفری تشدید در قلمرو جرایم اقتصادی، *فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی*، دوره ۴، شماره ۱.
- تاموشات، کریستان، (۱۳۸۶) *حقوق بشر*، برگردان و نگارش: حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.
- حسینی، جعفر؛ مهرا، نسرین (بهار و تابستان ۱۳۹۴) نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی، *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی*، دوره ۲، شماره ۳.
- حسینی، محمد (۱۳۹۷) *حقوق بشر*: مبانی و مسائل کنونی، تهران: دانشگاه علوم قضایی خدمات اداری.
- حسینی، سیدحسین؛ اسمعیل‌زاده، لیدا. (۱۳۹۳). جنبه‌های عوام‌گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی، *مجله رفاه اجتماعی*، دوره ۱۴، شماره ۵۴.
- حدادزاده نیری، همکاران (تابستان ۱۳۹۹) واکاوی اثربخشی اعدام در جرایم مواد مخدر در پرتو نظریه‌های تحلیل اقتصادی جرم، *پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۸، شماره ۳۱.
- شاو، ملکم (۱۳۹۵) *حقوق بین‌الملل بشر*، برگردان: مجتبی اصغریان، چاپ دوم، تهران: نشر خرسندی.
- شایگان، فریده و همکاران (زمستان ۱۳۸۲) *تقویت همکاری‌های بین‌المللی در*

زمینه حقوق بشر، تهران: نشرگرایش.

ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳) *مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی*، تهران: نشر

میزان.

راسخ، محمد (۱۳۸۱) *حق و مصلحت*، مجموعه مقالات، تهران: نشر طرح نو.

راسخ، محمد (بهار و تابستان ۱۳۹۸) رویکرد نظری به مفهوم حق نسل سوم،

فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۳۹.

عبدالرحیمی، فرشته (بهار ۱۴۰۱) تحلیل کیفرشناختی جرایم مالیاتی، *فصلنامه*

پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۴۹.

مقتدایی، عباس (پاییز ۱۳۹۰) بررسی مقایسه‌ای نسل اول حقوق بشر جامعه مدنی

غرب با مبانی اسلامی، *مجله علمی و پژوهشی جامعه شناسی کاربردی*، دوره ۲۲،

شماره ۳.

کاظمی، عبدالحسن، همکاران (زمستان ۱۳۹۴) فراانسان‌ها و آینده کرامت انسانی،

حقوق و آزادی‌های اساسی بشری، *فصلنامه اخلاق زیستی*، سال ۵، شماره ۱۸.

کریم نژاد، عباس؛ همکاران (تابستان ۱۴۰۰) جایگاه عقلانیت در نظریه‌های اقتصاد

خرد از منظر جرم‌شناسی، *فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد*، دوره ۱۴، شماره ۵۲.

شهبازی، حشمت‌الله، تقی زاده، ابراهیم، شهبازی نیا، مرتضی (تابستان ۱۳۹۶)

حقوق بشر در حقوق خصوصی، *پژوهش حقوق خصوصی*، دوره ۵، شماره ۱۹.

شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۸۰) *بررسی سیاست کیفری در قبال جرایم*

سازمان یافته، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

سیدفاطمی، سید محمد قاری (۱۳۹۳) *حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر*

دوم، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها)، جلد ۲، چاپ ۴، تهران: موسسه

مطالعات و پژوهش‌های شهردانش.

موسوی میرکلایی، طه (۱۳۹۷) *جهان شمولی و نسبی‌گرایی حقوق بشر*

رهیافت اسلامی، تهران: نشر دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

میرسعیدی، منصور، زمانی، محمود (پاییز ۱۳۹۲) جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه،
فصلنامه حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۴.

لیا، لوین (۱۳۷۷) **پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر**، برگردان: محمدجعفر
پوینده، تهران: نشر قطره.

سیدفاطمی، محمد قاری، فلسفی، هدایت الله، (۱۳۸۸) **پیش درآمد بر کتاب
حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر اول)**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های
حقوقی.

نجفی اسفاد، مرتضی و فرید محسنی (۱۳۸۴) **حقوق اساسی جمهوری اسلامی
ایران**، چاپ سوم، تهران: نشر هدی.

همتی، مجتبی (بهار ۱۳۸۶) حق‌های اقتصادی و اجتماعی و نسبت آن با حقوق
شهروندی در پرتو نظریه عدالت رولز، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۷۱، شماره ۵۸.

نگلیسی

Ashlagbor, Diamond” (2005) *The Right to Work ,“in Social Rights
in Europe ,De Burca ,Graaie and De Witte bruno) eds* ,(Oxford
university press.

Budima ,Gjeneza ,(2006) ,Can corruption and economic crime
be controlled in developing economies ,and if so ,is the cost worth it,?
Journal of Financial Crime ,Vol ,13 .No.4 .

Christie ,Parot ,(2016) .The complexity of human rights in global
times :The case of the right to education in South Africa, **International
Journal of Educational Development** , Vol. 30, No. 1.

Goodman A, Greaves E. Cohabitation, (2016) **Marriage and
Child Outcomes**, London: The Institute of Fiscal Studies.

ILO(2011), *Termination of Employment Instruments, Background Paper for the Tripartite of Experts to Examine the Termination of Employment Convention, 1982 and the Termination of Employment Recommendation, 1982, International Labour Standards Department, International Labour Office.*

Kofele Kale, Ndiva (2018) ,*Combating Economic Crimes; Balancing Competing Rights and Interests in Prosecuting the Crime of Illicit Enrichment*, First Published, London and New York: Routledge.

Mungan, Murat C. (2016). Identifying Criminals ‘Risk Preferences, *Indiana Law Journal*, Volume 91, Issue 3.

Michael J. Dennis & David P. Stewart, (2014), Justiciability of Economic, Social and Cultural Rights: Should There Be an International Complaints Mechanism to Adjudicate the Rights to Food, Water, Housing and Health, *American Journal of International Law*, Vol.98, No.462.

Saris ,Patti B. (2019) “The 2015 Economic Crime Guideline Amendments”, *Journal of Law and Business*, Vol.12, No.1, pp. 2-33.
Sjogren , Hans.

Rosenfeld, Richard & Messner, Steven F, (2013), *Crime and the Economy*, Los Angeles: SAGE publications